



«از دواج به سبک ایرانی» به کارگردانی حسن فتحی فیلم دیگری است که نام باقر صحراوردی در میان بازیگران آن به چشم می‌خورد. این فیلم که سال ۱۳۸۳ ساخته شد داستان شیرین، دختر جوانی را به تصویر می‌کشد که خانواده‌ای سنتی و پدرو متعصب و سخت‌گیر دارد. او به سختی پدرش را راضی می‌کند که بتواند در آژانس هواپیمایی دایمی‌اش کار کند اما کار کردن در آژانس همان و دل بستن یک جوان امریکایی به او به محض ورود به آژانس هم همان...

# فاجعه فاجعه است

صبا بررسی می‌کند:  
طراحی صحنه در تئاتر کنونی ایران

با حضور: پیام فروتن، منوچهر شجاع و مصطفی مرادیان

یکی از مهم‌ترین عناصری که تماشاگران تئاتر در مواجهه با یک نمایش با آن روبه‌رو می‌شوند، طراحی صحنه است. رشته‌ای بسیار تخصصی و ویژه که در ایران در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود اما در عمل و در دنیای اجرایی تئاتر با معضلات و مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. در نظر سنجی این هفته صبا به مشکلات تئاتر می‌پردازیم. بند بندیم به طراحی صحنه با نگاهی متفاوت نظری بیاندازیم و از زبان طراحان صحنه با تجربه و نامی، این حیطه و مشکلاتش را بررسی کنیم. پیام فروتن، منوچهر شجاع و مصطفی مرادیان، در این بررسی صبارا همراهی کرده‌اند.

گفتگو با پیام فروتن درباره معضلات و مشکلاتی که طراحی صحنه با آن روبه‌روست

## احترام برای سلیقه مخاطب قائل نیستیم

پیام فروتن سال‌هاست که در دانشگاه تهران به تدریس طراحی صحنه مشغول است و یکی از طراحان صحنه‌ای است که می‌تواند معضلات این رشته را به خوبی برای ما تشریح کند. اما انگار از وضعیت طراحی صحنه در تئاترها راضی نیست که با دلخوری درباره آن صحبت می‌کند. این حرف‌ها حرف دل بسیاری از تئاتری‌های ماست. حرف‌های کسانی که دل‌شان برای تئاتر می‌سوزد و می‌دانند که تئاتر با همه اجزایش است که کامل می‌شود و یکی از این اجزا هم بی‌شک طراحی صحنه است. اگر این بخش در تئاتر نادیده گرفته شود همه چیز به هم می‌ریزد و تئاتری مخدوش خواهیم داشت. فروتن، تئاتر بدون طراحی صحنه را نمایشنامه‌خوانی می‌داند. حرف‌های این طراح صحنه تئاتر و سینما و تلویزیون را درباره این رشته در ادامه می‌خوانید:



در حال حاضر وضعیت طراحی صحنه چطور است؟ آیا در شرایط امروز این رشته در وضعیت مطلوب قرار دارد؟  
من فقط یک کلمه می‌توانم درباره وضعیت طراحی صحنه در ایران بگویم و آن هم این‌که فاجعه است.  
دلایل این‌که وضعیت به نظر شما فاجعه است، چیست؟  
چیزی که فاجعه است فاجعه است. یعنی دیگر چیزی به اسم طراحی صحنه وجود ندارد. چرا وجود ندارد؟

برای این‌که هیچ تعهد و مسئولیتی در این زمینه وجود ندارد. هیچ منبع مالی قابل قبولی برای طراحی صحنه وجود ندارد. متأسفم که از این کلمه استفاده می‌کنم اما به نظر، غالب طراحی صحنه‌هایی که در این روزها انجام می‌شود و ما می‌بینیم نوعی «کلاه‌برداری» از مخاطب و تماشاگر است.

کلاه‌برداری از چه چیز؟  
کلاه‌برداری از تماشاگر، نوعی کم‌فروشی در عرصه تئاتر و فرهنگ. من شخصاً این کم‌فروشی را مساوی با کلاه‌برداری می‌دانم.

این تعهد و مسئولیتی که شما به آن اشاره کردید از طرف چه کسی رعایت نمی‌شود؟

من مشکل اول را مستقیماً متوجه مرکز هنرهای نمایشی می‌دانم که بودجه لازم را در این زمینه اختصاص نمی‌دهد و حمایت‌های لازم را انجام نمی‌دهد. نظارت کیفی کافی نیز وجود ندارد و طراحی و طراحی و طراحان هر طور دل‌شان خواهد با موضوع طراحی صحنه برخورد می‌کنند. مرکز نیز نظارتی بر آن‌ها ندارد. پس متهم ردیف اول مرکز هنرهای نمایشی است. متهم ردیف دوم کارگردان‌ها هستند که می‌پذیرند چنین چیزهای مبتذل و دونه‌مایه‌ای به عنوان طراحی صحنه کارشان در معرض دید تماشاگران قرار بگیرد و متهم آخر هم خود طراحان صحنه هستند.

طراحان صحنه یک صنف هستند، شما معتقدید این‌ها کارشان را انجام نمی‌دهند؟  
کدام صنف؟! کدام خانه تئاتر؟! تنها کاری که خانه تئاتر انجام نمی‌دهد فعالیت صنفی است. نقش طراحان صحنه در این ماجرا



گفتگو با مصطفی مرادیان طراح صحنه نمایش «ناصر سعید طهرانی»

## بچه‌ها همدیگر را پیدا می‌کنند

نمایش «ناصر سعید طهرانی» به کارگردانی داریوش رشادت اثری است که از جشنواره تئاتر دانشگاهی به ایرانشهر معرفی شده و قرار است این روزها در سالن استاد سمندریان به روی صحنه برود. مصطفی مرادیان این روزها دانشجوی رشته طراحی صحنه است و طراحی صحنه این نمایش را بر عهده داشته است. این روزها وضعیت طراحی صحنه در دانشگاه‌ها از چه قرار است و بچه‌های این رشته چه مشکلاتی را پیش رو دارند و به چه چیزهایی فکر می‌کنند؟ همه این مسائل را با او در میان گذاشته‌ایم.



این ۴ تا ۵ نفر برای اجرای کار پیدا می‌کنند و با هم وارد چرخه تئاتر می‌شوند.

در نمایش «ناصر سعید طهرانی» که طراحی صحنه‌اش را به عهده داشتید با چه مشکلاتی روبه‌رو بودید؟

ما در اجرا داشتیم که یکی برای جشنواره بود. اجرای جشنواره محدودیت‌های خودش را دارد. زمان ذهن نوسنده هستند درست با مخاطب کردن ندارند. اما برای اجرای عموم در ایرانشهر مشکل‌مان این بود که نمی‌توانستیم دکور را ثابت روی صحنه داشته باشیم چون هم‌زمان با ما یک گروه دیگر هم اجرا می‌رود. یک صحنه رتال با جزئیات که طراحی و اجرا شده بود را باید تغییر می‌دادیم و به صحنه‌ای تبدیل می‌کردیم که به راحتی بتوان آن را جابه‌جا کرد. ما چند محدودیت داشتیم. این‌که بچه‌ها روی صحنه قبلی می‌زان صحنه داده بودند و اول باید این میزان‌ها را حفظ کنیم و بعد بازیگرها با دکور جدید هماهنگ شوند و همچنین صحنه حس صحنه قبلی را حفظ می‌کرد که همان صحنه را با تغییراتی عوض کردیم. قسمت‌های مهم و دراماتیک صحنه را حفظ کردیم و مینی‌مال‌تر کار کردیم.

بچه‌های کارگردانی در دانشگاه چقدر به طراحی صحنه اهمیت می‌دهند؟  
من در این چند سالی که با بچه‌ها کار کرده‌ام دیدم که برای بچه‌ها مهم است. برای آن‌ها مسئله بود که صحنه‌شان یک صحنه دراماتیک باشد و با طراحی صحنه اتفاقات خوبی برای نمایش بیفتد و کار رنگ بگیرد.

طراحی صحنه نمایش «ناصر سعید طهرانی» را در دست‌دارید و هم‌زمان هم دانشجوی طراحی صحنه هستید. وضعیت دانشجویان طراحی صحنه چطور است و آیا این علاقه به طراحی صحنه بین‌شان وجود دارد؟

سه، چهار سال پیش وضعیت به این شکل بود که در نمایشنامه‌شان داشتند. البته چون هنوز چاپ نشده سعی می‌کنم تأکید نکنم اما در گفتگویی که من با کارگردان داشتیم قرار شد که به سمت خلاصه‌کردن فضا برویم. به چند دلیل، یکی این‌که این‌ها فضا به شدت ذهنی و تخیلی است و دوم این‌که اضافه کردن جزوه رئالیستی به این کار کمی نمی‌کرد، فضا را هم منحرف می‌کرد و از فضای اصلی دور می‌شد. بنابراین در این کار فضای مینی‌مال انتخاب شد و به آن عمل شد به این دلیل که نیاز به فضای مینی‌مالیستی داشتیم. ممکن است در ماه‌های آینده، کاری به من پیشنهاد شود که تصور کنیم فضای رئالیستی به ما کمک می‌کند. قطعاً همان فضا را برای آن پیش می‌برم، اما در مجموعه سلیقه شخصی خود من بیشتر به سمت کارهای مینی‌مال و کمینه‌گرا تمایل دارد. دوست دارم با حداقل‌ها با مخاطب ارتباط برقرار کنم. به همان دلیلی که ذهن مخاطب فعال‌تر و ارتباطش با کار عمیق‌تر و فراگیرتر می‌شود به همین دلیل این نوع از ارتباط را بیشتر می‌پسندم.

وضعیت استادان چطور است؟

من معتقد نیستم که طراحی صحنه و بازیگری ... و... را با چند واحد درسی بتوان یاد داد. مثلاً من اگر در دانشگاه تهران واحدهایم را بگذرانم غیر ممکن است بتوانند با این واحدها از بچه‌ها هنر مند یا طراح صحنه درست کنند. اما باید دو طرفه باشد و دانشجو بخواهد که طراح صحنه بشود و استاد هم کمک کند. استاد می‌تواند

دانشجوها چطور می‌توانند وارد عرصه‌های تئاتری بشوند؟  
عرصه تئاتر به این مسئله اهمیت می‌دهد؟

من فکر نمی‌کنم تعداد کسانی که در تئاتر حرفه‌ای امروز ایران طراحی صحنه برایشان اهمیت دارد و نقش آن را در نمایش مؤثر می‌دانند، بیشتر از انگشتان دو دست باشد. یعنی هیچ کاری نمی‌شود برای طراحی صحنه کرد؟  
من که به شدت ناامید و افسرده هستم و این روزها ترجیح می‌دهم کمتر تئاتر ببینم تا حداقل کمتر حرص بخورم و کمتر به اعصابم چنگ بزنم!

## تولید تصویر درست در تئاتر

آزاده کاظمی | منوچهر شجاع سال‌هاست که طراحی صحنه نمایش‌ها را انجام می‌دهد. او این روزها «هیولای خاوانی» به کارگردانی محمد یعقوبی را در دست دارد. نمایش که این روزها با استقبال مخاطبان روبه‌رو شده است. شجاع در این گفتگو مشکلات و معضلات پیش‌رو طراحان صحنه را تشریح می‌کند. اگر بخواهیم نگاهی به نمایش‌هایی که این سال‌ها بر صحنه اجرا می‌شود بیاندازیم متوجه می‌شویم حال طراحی صحنه خوب نیست. این جمله منوچهر شجاع است که می‌خواهد جامعه تئاتر را متوجه این نکته کند که باید به تصویرسازی در تئاتر توجه شود. تئاتری که زبانش زبان تصویر است و بدون تصویرسازی کار از سطح خوبی برخوردار نیست. منوچهر شجاع در دانشگاه طراحی صحنه خوانده است و علاوه بر طراحی صحنه در نمایش‌هایی نیز بازی کرده است. با او به بهانه طراحی صحنه نمایش «هیولای خاوانی» به گفتگو نشستیم.



شما در طراحی صحنه به سمت خلاصه کردن چیزها می‌روید و خیلی مینی‌مال اجرا می‌کنید. این چه کمکی به شما می‌کند؟ خیلی از طراحی صحنه‌های قدیمی که جزء به جزء طراحی می‌شدند دور شدیم و به این مینی‌مال شدن رفته‌ایم. این مینی‌مالیستی فکر کردن در طراحی صحنه از کجا نشئت می‌گیرد؟

سبک‌های مختلف و اسامی مختلفی وجود دارد. در برهه‌ای از تاریخ کسانی بر اساس رویکرد به آن سبک شروع به تولید اثر کرده‌اند و آن اثر باعث ارتباط آن‌ها با مخاطب‌شان شده است. مثلاً در نقاشی در یک دوره آمده‌اند و با ضربه‌های سریع قلم‌مو و رنگ‌های خیلی بکر نقاشی‌هایی را تولید کردند و بعد منتقدان و مردم و سبک‌شناسان بر روی آن‌ها اسم گذاشته‌اند و مثلاً گفته‌اند این اثر اکسپرسیونیستی یا امپرسیونیستی یا کوبیستی است. این اسامی در واقع وجود دارند. نزدیک و دور شدن ما به این اسامی به میزان تخیل و استفاده ما از آن سبک‌ها ارتباط دارد.

من خودم هیچ وقت در هیچ کاری که تا الان انجام داده‌ام نگفتم که می‌خواهم چگونه کار کنم. مثلاً یک اکسپرسیون مینی‌مال کار کنم یا مثلاً مینی‌مالیستی کار کنم. چون این هم تبدیل به یک سبک شده است. من با این رویکرد با کاری مواجه نشده‌ام. بسیاری از کارها بوده که من دیدم نوع پرداخت رئالیستی به این کار کمک می‌کند و آن کار را انجام داده‌ام و سعی کرده‌ام خودم را به فضای رئالیستی آن کار تحمیل کنم. یک کارهایی هم هست که باید با فضای مینی‌مال اجرا شود. چون باید به مخاطب کمک کند تا او بتواند وجود ناپیدا و مخفی کار را در ذهن خودش باز تولید کند و این باعث می‌شود که اتفاقاً درک بیشتری از کار داشته باشد و هم ارتباط بیشتری با مخاطب برقرار کند. در «هیولای خاوانی» شاید خود متن پیشنهاد دیگری داشت و خانم

نغمه ثمنی پیشنهاد دیگری در توضیح صحنه در نمایشنامه‌شان داشتند. البته چون هنوز چاپ نشده سعی می‌کنم تأکید نکنم اما در گفتگویی که من با کارگردان داشتیم قرار شد که به سمت خلاصه‌کردن فضا برویم. به چند دلیل، یکی این‌که این‌ها فضا به شدت ذهنی و تخیلی است و دوم این‌که اضافه کردن جزوه رئالیستی به این کار کمی نمی‌کرد، فضا را هم منحرف می‌کرد و از فضای اصلی دور می‌شد. بنابراین در این کار فضای مینی‌مال انتخاب شد و به آن عمل شد به این دلیل که نیاز به فضای مینی‌مالیستی داشتیم. ممکن است در ماه‌های آینده، کاری به من پیشنهاد شود که تصور کنیم فضای رئالیستی به ما کمک می‌کند. قطعاً همان فضا را برای آن پیش می‌برم، اما در مجموعه سلیقه شخصی خود من بیشتر به سمت کارهای مینی‌مال و کمینه‌گرا تمایل دارد. دوست دارم با حداقل‌ها با مخاطب ارتباط برقرار کنم. به همان دلیلی که ذهن مخاطب فعال‌تر و ارتباطش با کار عمیق‌تر و فراگیرتر می‌شود به همین دلیل این نوع از ارتباط را بیشتر می‌پسندم.

واقع‌گرایان سری آلمان‌های سنتی را در طراحی صحنه بیه‌کار گرفته‌اند و یک فضای «ذهنی بسته» و سنتی تشکیل داده‌اند. این بسته بودن فضا را هم در همان حال می‌بینیم و این تأکید بر ۱۵ متری بودن خانه به فضا سازی کمک می‌کند.  
الته من خیلی تأکیدی روی این مسئله و مفهوم این خانواده سنتی و نتیجه این خانواده ندارم. چون موانع سخت‌افزاری را هم به گونه‌ای که بگویم، طراحی صحنه خیلی حال خوبی ندارد. من سعی می‌کنم با هر کسی که کار می‌کنم به اهمیت طراح صحنه با حضور و نوع دخالتش در کار و تأثیری که در کار می‌گذارد تأکید کنم و این‌که موانع سخت‌افزاری را هم به گونه‌ای بتوانیم مدیریت کنیم که زود خسته نشویم و از طراحی صحنه محافظت کنیم. سعی می‌کنم تلاش‌هایی را انجام دهیم. امیدوارم به زودی در بخش‌هایی که وظیفه‌شان সাপোর্ট کردن تئاتر است اتفاق‌های خوبی بیفتد.

مسئله اقتصادی چقدر دخیل است که کارگردان خیلی کم به سمت طراحی صحنه بی‌رود یا خودشان معمولاً ایده‌هایشان را روی صحنه پیاده‌کنند؟  
حتمناً تأثیر دارد و تأثیرش را روی میزان حضور طراحان صحنه در سال‌های اخیر گذاشته است. کم‌این‌که فشار اقتصادی روی بخش‌های دیگر هم تأثیر می‌گذارد. من ممکن است برای پرداخت ایده‌هایم به بازیگری نیاز داشته باشم که نتوانم

دستم‌زدش را پرداخت کنم بنابراین فرد دیگری را جایگزین می‌کنم. ایمن کمبودهای اقتصادی روی بخش‌های دیگر هم تأثیر می‌گذارد. من به عنوان کارگردان می‌گویم باید برای ساخت دکور، لباس، دستبند طراح صحنه و لباس و... هزینه کنیم، به غلط این‌ها را خط می‌زنم و هزینه نمی‌کنم چون اهمیت ندارند. این تصور غلطی است و با یک تیم بازیگری و طرح الکن اجرایی می‌روم که در بخش رسانه نقد همچون نقدهای مستقیم و کارشناسانه نیست و فکر می‌کنند کار درستی انجام شده. مسلماً این فضا و کمبود اقتصادی تأثیر گذاشته است.